



انگیزه‌های مدیریتی در گزارشگری متهورانه مالی با توجه به تئوری چشم انداز تجمعی

علی مولائی ایل ذوله^۱

کاوه پرندین^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹

چکیده

گزارشگری متهورانه مالی به عنوان یک رفتار مدیریتی مبتنی بر ریسک هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارش گری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دستکاری می‌نمایند. از طرفی دیگر تئوری چشم‌انداز به دنبال تبیین چگونگی تأثیر احساسات و ترجیحات روان‌شناختی افراد بر شیوه تصمیم‌گیری آنان است. از این رو، هدف پژوهش بررسی تأثیر انگیزه مدیریتی در گزارشگری متهورانه مالی با توجه به تئوری چشم انداز تجمعی است. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، به بررسی ۱۲۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ پرداخته شد. در این تحقیق از روش‌های آمار همبستگی و رگرسیون چند متغیره با الگوی داده‌های ترکیبی و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی (EGLS) استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گزارشگری متهورانه مالی از چهار الگوی نگرش به ریسک پیروی می‌کند به بیان دیگر زمانی که احتمال سود مرجع کم یا احتمال زیان مرجع زیاد باشد احتمال گزارشگری متهورانه مالی افزایش می‌یابد اما چنانچه احتمال سود مرجع زیاد یا احتمال زیان مرجع کم باشد احتمال گزارشگری متهورانه مالی کاهش می‌یابد، اگر احتمال تغییر در سود یا زیان اندک باشد نگرش مدیر به ریسک می‌تواند مسیر را تغییر دهد به روایت بهتر اگر احتمال سودآوری افزایش یابد، مدیر به جای آنکه نگرش خود را از ریسک پذیری به ریسک گریزی تغییر دهد اندکی از ریسک پذیری خود را کاهش می‌دهد، بنابراین می‌توان استدلال کرد که احتمال گزارشگری متهورانه مالی بدون تغییر در جهت نگرش مدیر به ریسک از ریسک پذیری به ریسک گریزی تغییر می‌کند. همچنین نتایج تجزیه و تحلیل اضافی حاکی از آن است که در شرکت‌های بزرگ‌تر، رابطه فوق قوی‌تر است.

واژه‌های کلیدی: انگیزه‌های مدیریتی، گزارشگری متهورانه مالی، تئوری چشم انداز تجمعی

طبقه بندی H16, C13, H26: JEL

۱. گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول، molaiyali@pnu.ac.ir

۲. گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، kparandin@pnu.ac.ir



۱- مقدمه

در فضای تجاری و اقتصادی امروز، شرکت‌ها همواره در شرایطی هستند که نیازمند تصمیم‌گیری‌های به‌موقع و اثربخش مدیریت، در شرایط عدم اطمینان و مخاطره‌آمیز بوده و ریسک‌پذیری مدیر می‌تواند عامل مهمی جهت نیل به موفقیت سازمان گردد. به بیان دیگر ریسک‌پذیری عامل حیاتی است که منجر به بقا و توسعه شرکت‌ها می‌شود (شاپیرا^۱، ۱۹۹۵) اما اگر مدیر شرکت برخی رفتارهای پرمخاطره همچون ارائه گزارش‌های متهورانه مالی به بازار را انجام دهد سبب به وجود آمدن زیان‌های عمده برای سازمان می‌شود؛ چرا که این نوع گزارشگری به‌طور کاذب وضعیت مالی شرکت را بهتر از آنچه واقعاً هست، نشان می‌دهد. همچنین اعتبار حرفه حسابداری را مخدوش نموده و بر اعتماد عمومی به صورت‌های مالی تأثیر می‌گذارد (فخاری و همکاران، ۱۳۹۷). به زعم واتر^۲ (۲۰۰۳) گزارشگری متهورانه مالی نوعی تحریف از واقعیت‌ها است که سطح شفافیت اطلاعاتی شرکت را کاهش می‌دهد بنابراین سرمایه‌گذاران نمی‌توانند با استفاده از اطلاعات شرکت، قیمت سهام آن را به درستی تعیین کنند و حتی انگیزه جمع‌آوری اطلاعات مربوط به شرکت را قبل از اقدام به داد و ستد سهام آن از دست می‌دهند (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۹). اما از آنجا که این عمل پریسک و خطرناک است، تنها مدیرانی به انجام آن مبادرت می‌کنند که بسیار ریسک‌پذیر باشند، در حالی که اکثر مدیران افرادی عقلایی و ریسک‌گریزند. از طرفی دیگر تئوری چشم‌انداز تجمعی تورسکی و کانمن^۳ (۱۹۹۲) بیان می‌دارد افراد در بعضی مواقع به طور سیستماتیک اصل مطلوبیت، که یکی از اصول پایه و مترقی دیدگاه مکاتب عقلایی در دیدگاه انسان اقتصادی است، را نادیده می‌گیرند و بر خلاف اصول عقلایی رفتار می‌کنند. در واقع تئوری چشم‌انداز به دنبال تبیین چگونگی تأثیر احساسات و ترجیحات روانشناختی افراد بر شیوه تصمیم‌گیری آنان است (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۰). نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ارائه گزارش‌های متهورانه مالی توسط مدیران ریسک‌پذیر به مدیران ریسک‌گریز بسیار محتمل‌تر است (ثقفی و حسن زاده دیوا، ۱۴۰۰). در این پژوهش تلاش شده تا از بررسی این اثر اساسی، که در تحقیقات گذشته انجام شده، فراتر رفته و به این موضوع پرداخته شود که آیا گزارشگری متهورانه مالی از الگوی چهارگانه نگرش به ریسک که از طریق تئوری چشم‌انداز تجمعی ارائه می‌شود، پیروی می‌نماید یا خیر. شایان ذکر است که نوشتار حاضر از آن جهت با پژوهش‌های قبل متفاوت است که برای فرموله کردن احتمال گزارشگری متهورانه مالی به‌عنوان بخشی از پیامد عملکرد، از عملکرد شرکت‌های مشابه به‌عنوان نقطه مرجع استفاده کرده است. همچنین، به منظور بررسی استحکام و قابلیت اتکای نتایج پژوهش، اثر تعدیل‌کنندگی اندازه شرکت بر رابطه مربوطه مجدداً مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از این رو، هدف این پژوهش پرداختن به رفتار گزارشگری متهورانه مالی از دیدگاه تئوری رفتاری چشم‌انداز تجمعی است. این پژوهش با استفاده از مفاهیم مطرح شده در حوزه روان‌شناسی و اقتصاد رفتاری و با مطرح کردن گزارشگری متهورانه مالی توسط مدیران به عنوان یک رفتار مبتنی بر ریسک منجر به گسترش دانش در حوزه ادبیات گزارشگری متهورانه مالی می‌گردد و بر اهمیت

^۱ - Shapira

^۲ - Watts

^۳ - Tversky & Kahneman

کاربرد تئوری چشم‌انداز در حسابداری دلالت دارد. در ادامه پس از بیان جنبه نظری و پیشینه پژوهش به روش پژوهش و درنهایت با ارائه یافته‌ها به بحث و نتیجه گیری پرداخته می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی نظری

گزارشگری متهورانه مالی به نحوه واکنش شرکت در مقابل ذینفعان و بازار سرمایه در افشای واقعیت‌های عملکردی اشاره دارد و نقطه مقابل گزارشگری مالی محافظه کارانه می‌باشد. به نظر واتز^۱ (۲۰۰۳) استفاده از رویه‌های گزارشگری متهورانه مالی بدین معنی است که شرکت گزارش اخبار بد را به تاخیر اندازد، اما در گزارش اخبار خوب، سرعت عمل نشان دهد (ملاسمعیلی دهشیری، ۱۴۰۱). بدین ترتیب گزارشگری متهورانه نوعی تحریف از واقعیت‌ها است و سطح شفافیت اطلاعاتی شرکت را کاهش می‌دهد و سرمایه‌گذاران نمی‌توانند با استفاده از اطلاعات شرکت، قیمت سهام آن را به درستی تعیین کنند و حتی انگیزه جمع‌آوری اطلاعات مربوط به شرکت را قبل از اقدام به داد و ستد سهام آن از دست می‌دهند. بدین ترتیب قیمت سهام شرکت نمی‌تواند انعکاس‌دهنده اطلاعات خاص مربوط به شرکت باشد و نمی‌تواند از ارزش این گونه سهام خبر دهد (جین و مایرز^۲، ۲۰۰۶). نلسون^۳ (۲۰۰۳) وجود رویکرد گزارشگری متهورانه مالی را نتیجه ادراک سوگیرانه مدیران از استانداردهای حسابداری به منظور رسیدن به برتری شکل بر متحوا دانسته است. به عبارت دیگر وی معتقد است هرگاه مدیران از استانداردهای حسابداری همچون ابزاری برای اهداف خود استفاده نمایند، به طوری که اخبار مطلوب و مورد توجه بازار و سهامداران را انعکاس دهند و از انتشار اخبار بد در زمان مقتضی دوری نمایند، از رویکرد گزارشگری متهورانه استفاده می‌کنند، رویکردی که می‌تواند به انحطاط بازار سرمایه و افزایش ریسک سقوط سهام شرکت در آینده منجر شود (احمدی و سروش یار، ۱۳۹۵). این رفتار مدیریتی که می‌تواند به پیامدهای نامطلوبی از جمله از دست دادن اعتماد سرمایه‌گذاران، آسیب شهرت، جریمه‌های بالقوه، کاهش قابلیت سودآوری آتی و زیان ناشی از عدم اطمینان بازار گردد، به عنوان ابزار مدیریتی پرریسک برای بهبود ظاهر مالی شرکت مطرح می‌شود و با تمایل مدیریت برای پذیرش ریسک مرتبط است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۹). اکثر پژوهش‌های پیشین انجام شده در حوزه رفتارهای مبتنی بر ریسک مدیران، گزارشگری متهورانه مالی را از دیدگاه تئوری نمایندگی مورد بررسی قرار داده‌اند. مطابق با این تئوری، نمایندگان هنگام اتخاذ تصمیمات مبتنی بر ریسک، به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت خود بوده و ریسک‌گریز هستند (مولائی ایل ذوله و همکاران، ۱۳۹۹). با این وجود شواهد بسیاری بیانگر این است که تئوری مطلوبیت مورد انتظار که اولین بار توسط نیومن و مورگنسترن^۴ (۱۹۴۴) مطرح شد، قادر نیست که رفتار افراد را به هنگام تصمیم‌گیری در شرایط وجود ریسک تشریح کند و اگرچه این تئوری به عنوان موضوعی جذاب در اقتصاد کمی نقش به سزایی را ایفا می‌نماید، اما شواهد تجربی زیادی در طول زمان دیده شدند که

^۱ - Watts

^۲ - Jin & Myers

^۳ - Nelson

^۴ -Neumann & Morgenstern

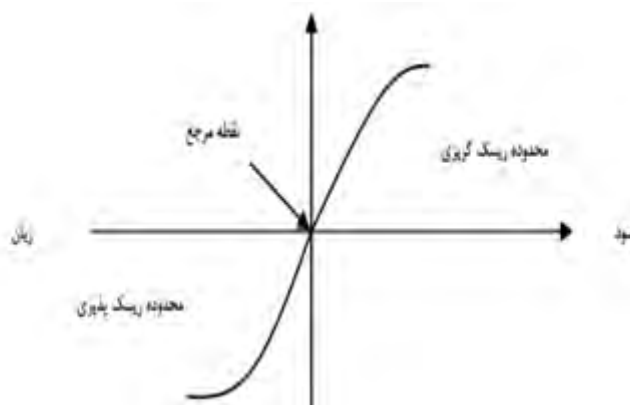
کارایی آن را نقض کرده و این تئوری در پیش‌بینی سیستماتیک رفتارهای انسانی در تصمیم‌گیری‌ها، مخصوصاً در شرایط وجود ریسک چندان موفق نبوده است (ربیع بیگی و همکاران، ۱۴۰۲). به همین دلیل تورسکی و کانمن^۱ (۱۹۹۲) با ارائه شواهد تجربی از عدم کارایی تصمیم‌گیری‌های عقلایی، کوشیدند رفتار واقعی تصمیم‌گیران را بر اساس اصول روان‌شناسی تبیین کنند (باربریز^۲، ۲۰۱۳). تلاش‌های این دو در راستای توسعه مباحث رفتاری در تصمیم‌گیری، به ارائه تئوری چشم‌انداز انجامید. تئوری چشم‌انداز ساده و تئوری توسعه داده شده چشم‌انداز با عنوان تئوری چشم‌انداز تجمعی توسط کانمن و تورسکی در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۹۲ ارائه شدند تئوری چشم‌انداز به دنبال تبیین چگونگی تأثیر احساسات و ترجیحات روان‌شناختی افراد بر شیوه تصمیم‌گیری آنان است. به عبارت دیگر این الگو نشان می‌دهد که چگونه افراد در بعضی مواقع به طور سیستماتیک اصل مطلوبیت، که یکی از اصول پایه و مترقی دیدگاه مکاتب عقلایی در دیدگاه انسان اقتصادی است، را نادیده می‌گیرند و بر خلاف اصول عقلایی رفتار می‌کنند. تابع مطلوبیت تصمیم‌گیرنده در تئوری چشم‌انداز مطابق شکل (۱) حالت S شکل دارد، به‌طوری که در نقاط مختلف این تابع، رفتارهای تصمیم‌گیری متفاوت است (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۰). پومپین^۳ (۱۹۶۳) تئوری چشم‌انداز تجمعی الگوی چهار جانبه نگرش نسبت به ریسک را بدین گونه پیش‌بینی می‌کند که افراد در شرایط وجود احتمال بالای زیان، ریسک‌پذیر و در شرایط وجود احتمال پایین زیان ریسک‌گریز هستند. همچنین، در شرایط وجود احتمال پایین سود، ریسک‌پذیر و در شرایط وجود احتمال بالای سود ریسک‌گریز هستند. مطابق با این تئوری، سود یا زیان نسبت به نقطه مرجع ارزیابی می‌شود (کانمن و تورسکی، ۱۹۹۲).

به منظور تبیین رفتار گزارشگری مالی متهورانه در مدیران از منظر تئوری چشم‌انداز، در صورتی که عملکرد واقعی شرکت i در دوره $t+1$ ، $P_{i,t+1}$ و نقطه عملکرد مرجع $P^r_{i,t+1}$ (میانگین عملکرد رقبا در صنعت) باشد و $Y_{i,t+1}$ برابر با $P_{i,t+1} - P^r_{i,t+1}$ در نظر گرفته شود. زیان مرجع یا سود مرجع در دوره $t+1$ زمانی اتفاق می‌افتد که به ترتیب احتمالات $Y_{i,t+1} < 0$ یا $Y_{i,t+1} > 0$ باشد. همچنین در نقطه مرجع $Y_{i,t+1} = 0$ است. تابع ارزش وابسته به نقطه مرجع، $V(Y_{i,t+1})$ همانطور که در شکل شماره (۱) نشان داده شده است برای ناحیه سود مقعر و برای ناحیه زیان محدب و دارای شیب بیشتر است. به بیان دیگر زیان بیشتر از سود در نظر افراد نمودار می‌شود و همین مفهوم بیانگر زیان‌گریزی افراد است. شکل تابع ارزش بیانگر این است که مدیران در ناحیه سود، ریسک‌گریز و در ناحیه زیان ریسک‌پذیر هستند (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۰).

^۱ - Kahneman & Tversky

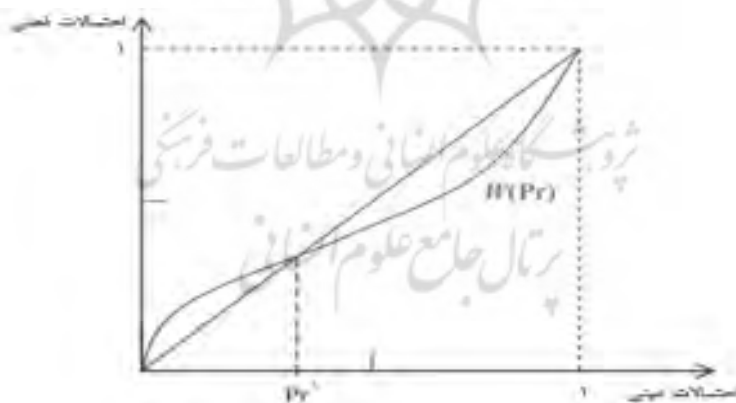
^۲ - Barberis

^۳ - Pompian



شکل (۱) تابع ارزش در تئوری چشم انداز
منبع: یافته‌های پژوهشگر

در سال ۱۹۹۲، تورسکی و کانمن تابع وزن‌دهی به احتمالات، $W(Pr)$ را که در شکل شماره (۲) نشان داده شده است، معرفی کردند. مطابق با این تابع که به شکل S معکوس است تصمیم‌گیرندگان تحت شرایط ریسک به وقایع دارای احتمال کم، وزن بیشتر داده و آن را بیشتر تخمین می‌زنند و به وقایع با احتمال بالا، وزن کمتری می‌دهند و آن را کمتر تخمین می‌زنند. این در حالی است که مطابق با تئوری مطلوبیت مورد انتظار رابطه بین احتمالات عینی و احتمالات ذهنی کاملاً خطی است (تورسکی و کانمن، ۱۹۹۲).



شکل (۲) تابع احتمال وزن‌دهی در تئوری چشم انداز
منبع: یافته‌های پژوهشگر

تورسکی و کانمن (۱۹۹۲) معتقدند که بر اساس توابع ارزش و وزن دهی به احتمالات، چهار الگوی تصمیم‌گیری تحت شرایط ریسک وجود دارد:

- ۱) افراد هنگام مواجهه با احتمال بالای سودآوری ریسک‌گریزند.
- ۲) افراد هنگام مواجهه با احتمال پایین سودآوری ریسک‌پذیرند.
- ۳) افراد هنگام مواجهه با احتمال بالای زیاندهی ریسک‌پذیرند.
- ۴) افراد هنگام مواجهه با احتمال پایین زیاندهی ریسک‌گریزند.

از این رو، با توجه به مطالب بیان شده، انتظار بر این است که احتمال گزارشگری متعهدانه مالی در شرایطی که مدیر احتمال وقوع زیان نسبت به نقطه مرجع را بالا برآورد کند، بالاتر باشد و در شرایطی که این احتمال پایین برآورد شود، احتمال گزارشگری متعهدانه مالی پایین‌تر باشد. همچنین، انتظار بر این است که در شرایطی که مدیر احتمال دستیابی به سود نسبت به نقطه مرجع را پایین برآورد کند، احتمال گزارشگری متعهدانه مالی بالا باشد و در شرایطی که این احتمال را بالا برآورد کند، احتمال گزارشگری متعهدانه مالی پایین باشد (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۰).

۲-۲- پیشینه تجربی پژوهش

مهدوی و رضالویی (۱۳۹۵) به بررسی انگیزه مدیریت سود توسط مدیران برای جلوگیری از گزارش زیان و کاهش سود و کاربرد نظریه چشم‌انداز برای تشریح انگیزه‌های آن پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که مدیریت سود برای جلوگیری از گزارش زیان در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. با این حال شواهدی مؤید انگیزه‌های مدیران برای مدیریت سود به منظور جلوگیری از کاهش سود به دست نیامد. همچنین شواهد به دست آمده نشان داد که می‌توان از نظریه چشم‌انداز به منظور تشریح دلایل مدیریت سود برای جلوگیری از گزارش زیان استفاده کرد.

دهقان و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی تئوری چشم‌انداز به عنوان ره‌یافتی نوین در توضیح پدیده فرار مالیاتی پرداختند. مقایسه‌ی نتایج حاصل از محاسبات در سناریوهای مختلف احتمالات ارائه شده حاکی از تفاوت بسیار زیاد جرائم مالیاتی بین تئوری چشم‌انداز و تئوری مطلوبیت انتظاری می‌باشد. جرایم به‌دست آمده با استفاده از تئوری مطلوبیت انتظاری بسیار بزرگ‌تر بوده و همچنین با افزایش احتمال حسابرسی در هر دو نظریه، نرخ جریمه‌ی مالیاتی کاهش می‌یابد. در سناریوهای ترکیبی افزایش احتمال حسابرسی شدن و افزایش وزن احتمال، محاسبات با استفاده از تئوری چشم‌انداز، نشان از کاهش نرخ جرایم مالیاتی و همچنین حساسیت جرایم به وزن احتمال حسابرسی دارند.

رهروی دستجردی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا انگیزه‌های مدیران برای استفاده از روش‌هایی با خطر بالای تقلب در تهیه گزارش‌ها، از الگویی که توسط نظریه چشم‌انداز تجمعی ارائه شده است پیروی می‌کند یا خیر؟. در این پژوهش ابتدا با تمرکز بر تجزیه و تحلیل متن گزارش‌های هیأت مدیره به مجمع و با استفاده از دو روش داده‌کاوی شامل یک روش مبتنی بر درخت تصمیم و یک روش مبتنی بر

آموزش ماشین، شاخصی برای ارزیابی و تشخیص خطر تقلب در گزارش‌های هیأت مدیره تعیین شد که دقتی بیش از ۹۰ درصد دارد. سپس با استفاده از شاخص مذکور، نتایج نشان‌دهنده عدم انطباق انگیزه‌های تقلب مدیران در ایران، با نظریه چشم‌انداز تجمعی است

ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی تبیین انگیزه رفتاری مدیران در دستکاری سود از منظر تئوری چشم‌انداز تجمعی پرداختند. تایید آنها بیانگر تأثیر مثبت و معنادار برآورد مدیریت از احتمال وقوع زیان نسبت به نقطه مرجع و تأثیر منفی و معنادار برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود نسبت به نقطه مرجع، بر دستکاری سود بود. به عبارت دیگر، احتمال دستکاری سود در شرایطی که مدیر احتمال وقوع زیان نسبت به نقطه مرجع را بالا برآورد کند، بالاتر بوده و در شرایطی که این احتمال پایین باشد، احتمال دستکاری سود پایین‌تر است. همچنین، احتمال دستکاری سود در شرایطی که مدیر احتمال دستیابی به سود نسبت به نقطه مرجع را پایین برآورد کند، بالاتر بوده و در شرایطی که این احتمال بالا باشد، احتمال دستکاری سود پایین‌تر است.

ثقفی و حسن زاده (۱۴۰۰) به بررسی انگیزه‌های مدیریتی در گزارشگری مالی متقلبانه با توجه به تئوری چشم‌انداز تجمعی پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد، گزارشگری مالی متقلبانه، از چهار الگوی نگرش به ریسک پیروی می‌کند، به بیان دیگر، زمانی که احتمال سود مرجع کم یا احتمال زیان مرجع زیاد باشد، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه افزایش می‌یابد؛ اما چنانچه احتمال سود مرجع زیاد یا احتمال زیان مرجع کم باشد، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه کاهش می‌یابد.

خلیل زاده و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر ویژگی‌های روانشناختی مدیر عامل بر احتمال دستکاری سود و واکنش حسابرسان به آن پرداختند. نتایج بررسی بیانگر تأثیر خود شیفتگی مدیر عامل بر احتمال دستکاری سود با استفاده از مدل بنیاد دلالیت دارد. ولی ارتباط بین بیش اعتمادی مدیر عامل و احتمال دستکاری سود و همچنین واکنش حسابرسان به احتمال دستکاری سود مورد تأیید قرار نگرفت.

حمیدیان نرگس (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر هم حرکتی سود بر احتمال دستکاری سود با در نظر گرفتن رقابت بازار محصول پرداختند. نتایج وی نشان داد هم حرکتی سود تأثیر منفی و معناداری بر احتمال دستکاری سود دارد همچنین، در شرکت‌های با رقابت بازار محصول بالا، هم حرکتی سود تأثیر معناداری بر احتمال دستکاری سود ندارد ولی در شرکت‌های با رقابت بازار محصول پایین هم حرکتی سود تأثیر منفی و معناداری بر احتمال دستکاری سود دارد.

کریمی و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی تأثیر مؤلفه‌های پنج‌گانه شخصیت حسابرسان بر مدیریت سود پرداختند. یافته‌ها آنها نشان داد، بعد شخصیتی روان‌رنجوری، انعطاف‌پذیری و توافق‌پذیری اثر معناداری بر مدیریت سود ندارند، حسابرسان مسئولیت‌پذیر، بهترین نوع حسابرسان برای کاهش مدیریت سود می‌باشند و حسابرسان برون‌گرا، مدیریت سود را افزایش می‌دهند.

فانگ^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی به دنبال پاسخ به این پرسش بود که آیا انگیزه‌های گزارشگری متعهدانه در مدیران از الگوی نظریه چشم‌انداز تجمعی پیروی می‌کند یا خیر. یافته‌ها حاکی از آن است که احتمال روی آوردن مدیران به گزارشگری متعهدانه با احتمال دستیابی به سودی کمتر (بیشتر) از عملکرد مرجع (میانگین سود رقبا) به صورت مثبت (منفی) و معناداری در ارتباط است.

پترو و پروکوپو^۲ (۲۰۱۶) با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های آمریکایی به این نتیجه رسیدند که رابطه منفی و معناداری بین مالکیت مدیرعامل و دستکاری سود وجود دارد. آنها معتقدند که تئوری چشم‌انداز، که بیانگر زیان‌گریزی افراد است، می‌تواند این رابطه منفی را تبیین نماید. مطابق با این تئوری، دستکاری سود می‌تواند دربرگیرنده زیان شخصی بالقوه برای مدیرعامل باشد که منجر به عدم تمایل مدیریت برای دستکاری سود می‌گردد. چو و همکاران^۳ (۲۰۱۹) به بررسی انگیزه‌های مدیریتی در دستکاری سود پرداختند. آنها با بررسی نمونه‌ای از شرکت‌های آمریکایی به این نتیجه رسیدند که یکی از انگیزه‌های مدیران شرکت‌ها، الزام به حفظ شهرت در دستیابی به انتظارات تجزیه و تحلیل‌کنندگان بازار سرمایه است.

چو و همکاران^۴ (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر آلودگی هوا بر اخلاق تجاری از دیدگاه دستکاری سود پرداختند. آنها با استفاده از نمونه‌ای از کشورهای چینی و یک شاخص کیفیت هوای جامع به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که در شهرهای با آلودگی هوای شدیدتر مستقر هستند دارای سطوح بالاتری از معوقات اختیاری هستند و با احتمال بیشتر صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه می‌نمایند؛ به عبارت دیگر آلودگی هوا منجر به دستکاری بالاتر سود می‌گردد.

هانگ و همکاران^۵ (۲۰۲۳) به بررسی رابطه‌ی حاکمیت شرکتی و تأمین مالی خارجی با مدیریت سود پرداختند. نتایج نشان حاکمیت شرکتی، مکانیزم مفیدی برای کنترل مدیریت سود است. با این حال، هنگامی که شرکت‌ها در فعالیت‌های تأمین مالی خارجی شرکت می‌کنند، حاکمیت شرکتی ارتباط معناداری با مدیریت سود مبتنی بر تعهدی و مدیریت سود واقعی ندارد. دیگر یافته‌ها نشان داد در حالی که حاکمیت شرکتی قوی، تأثیر مدیریت سود بر ارزش شرکت را کاهش می‌دهد، و نیازهای تأمین مالی خارجی فقط باعث دستکاری سود می‌شود و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیری بر ارزش شرکت ندارد. ثو^۶ (۲۰۲۳) به بررسی رابطه‌ی مدیریت سود و راهبرد تجاری با خطر درماندگی مالی در شرکت‌های ویتنامی پرداخت. یافته‌های وی نشان داد ریسک بالای درماندگی مالی برای شرکت‌های که دستکاری سود را از طریق افزایش ارزش اقلام تعهدی اختیاری انجام می‌دهند، افزایش می‌آید. به عبارتی دیگری خطر درماندگی مالی برای شرکت‌های که مدیریت سود را از طریق اقلام تعهدی اختیاری انجام می‌دهند بیشتر است. و اگر موسسات دست به مدیریت واقعی سود بزنند خطر درماندگی مالی کاهش می‌یابد.

^۱ -Fung

^۲ -Petrout & Procopiou

^۳ - Chu et al

^۴ - Cho et al

^۵ - Hong et al

^۶ - Thu

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش می‌توان در رابطه با گزارشگری متهورانه مالی، ریسک و نگرش چهارگانه به آن، فرضیه‌های زیر را مطرح کرد:

فرضیه اول: احتمال گزارشگری متهورانه مالی زمانیکه احتمال سود مرجع کم است، افزایش و احتمال گزارشگری متهورانه مالی زمانیکه احتمال سود مرجع زیاد است، کاهش می‌یابد.

فرضیه دوم: احتمال گزارشگری متهورانه مالی زمانیکه احتمال زیان مرجع زیاد است، افزایش و احتمال گزارشگری متهورانه مالی زمانیکه احتمال زیان مرجع کم است، کاهش می‌یابد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

۴-۱- روش گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل

این پژوهش از منظر فرایند اجرا (نوع داده‌ها) یک پژوهش کمی، از منظر نتیجه‌ی اجرای آن یک پژوهش کاربردی، از منظر هدف اجرا یک پژوهش تحلیلی (به روش همبستگی)، از منظر منطق اجرا یک پژوهش قیاسی - استقرایی و از منظر بعد زمانی، یک پژوهش طولی (پس رویدادی) است. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از بانک اطلاعاتی نرم‌افزارهای ره‌آوردنویس و گزارش‌های منتشره در سایت گدال استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش به کمک نرم‌افزارهای EXCEL و EVIEWS 9 انجام گرفته است. همچنین برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون خطی چند متغیره استفاده گردید و به منظور رفع آثار ناهمسانی واریانس احتمالی، روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی (EGLS) به کار گرفته شده است.

۴-۲- جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق را کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ تشکیل می‌دهد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، روش حذفی سیستماتیک می‌باشد و شرکت‌های که دارای شرایط زیر نبوده‌اند، از نمونه آماری کنار گذاشته می‌شوند:

- (۱) شرکت‌های که تا پایان سال ۱۳۹۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- (۲) در زمره شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی به دلیل متفاوت بودن ماهیت فعالیت آنها قرار نگرفته باشند.
- (۳) سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشد و در دوره مذکور تغییر سال مالی نداده باشند.
- (۴) در تمامی سال‌های مورد بررسی در چهارماهه پایان سال سهام آنها حداقل یک بار مورد معامله قرار گرفته باشد تا بتوان قیمت بازار هر سهم را در پایان سال به دست آورد.
- (۵) اطلاعات لازم در خصوص انجام این تحقیق در مورد آنها وجود داشته باشد.

با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در مجموع ۱۲۸ شرکت انتخاب شد.

۳-۴- مدل و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش به پیروی از فانگ (۲۰۱۶) از مدل زیر استفاده شده است.

$$\text{مدل (۱)} \quad AFR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \Pr(I_{i,t+1} = 1) + \beta_2 \Pr(I_{i,t+1} = 3) + \beta_3 \text{Size}_{i,t} + \text{AGE}_{i,t} + \beta_4 \text{Lev}_{i,t} + v_i + \varepsilon_i$$

که در آن: $AFR_{i,t}$ بیانگر گزارشگری متهورانه مالی است. $\Pr(I_{i,t+1} = 1)$ برآورد مدیر از احتمال دستیابی به زیان نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت؛ $\Pr(I_{i,t+1} = 3)$ برآورد مدیر از احتمال دستیابی به سود نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت؛ $\text{Size}_{i,t}$ اندازه شرکت، $\text{AGE}_{i,t}$ سن شرکت، $\text{Lev}_{i,t}$ اهرم مالی، v_i اثر تصادفی و ε_i مقادیر خطا است. در مدل فوق، در صورتی که $\beta_1 > 0$ و $\beta_2 < 0$ و معنادار باشند فرضیه اول و دوم پذیرفته می‌شود. ویژگی زیان‌گریزی تئوری چشم‌انداز تجمعی نیز دلالت بر $|\beta_1| > |\beta_2|$ دارد.

۳-۴-۱- متغیر وابسته پژوهش

در این پژوهش به پیروی از پژوهش هلتزر و همکاران^۱ (۲۰۱۲) از رویکرد کوتاری و همکاران^۲ (۲۰۰۵) برای سنجش گزارشگری مالی متهورانه استفاده می‌شود. براین اساس تفاوت اقلام تعهدی اختیاری شرکت با میانه اقلام تعهدی اختیاری سایر شرکت‌های مورد بررسی به عنوان مبنای سنجش این متغیر می‌باشد. ابتدا به منظور سنجش اقلام تعهدی اختیاری از مدل جونز تعدیل شده^۳ (۱۹۹۵) استفاده می‌شود:

مدل (۲)

$$\frac{TAcc_{it}}{A_{it-1}} = \frac{\alpha_0 + \alpha_1(\Delta REV_{it} - \Delta AR_{it}) + \alpha_2 PPE_{it} + \varepsilon_{it}}{A_{it-1}}$$

که در آن: $TAcc_{it}$ کل اقلام تعهدی شرکت آذر زمان t ؛ ΔREV_{it} تغییر در فروش شرکت آذر زمان t ؛ ΔAR_{it} تغییر در حسابهای دریافتنی شرکت آذر زمان t ؛ PPE_{it} ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت آذر زمان t ؛ A_{it-1} مجموع دارایی‌های شرکت آذر زمان t ؛ ε_{it} اقلام تعهدی شرکت آذر زمان t . پس از محاسبه اقلام تعهدی اختیاری، میزان گزارشگری مالی متهورانه هر شرکت برابر است با تفاوت اقلام تعهدی اختیاری شرکت و میانه اقلام تعهدی اختیاری سایر شرکت‌های مورد بررسی (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۹).

^۱ -Heltzer et al

^۲ -Kothari et al

^۳ -Jones

۴-۳-۲- متغیرهای مستقل پژوهش

متغیر مستقل این پژوهش برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود یا احتمال دستیابی به زیان نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت است. به منظور سنجش این متغیرها از متغیر شاخص $I_{i,t+1}$ استفاده شده است. در صورتی که عملکرد شرکت، که به وسیله ROA اندازه‌گیری می‌شود، در دوره $t+1$ باشد و $P_{i,t+1}^r$ (عملکرد مرجع) به عنوان میانگین عملکرد رقبا در صنعت در دوره $t+1$ در نظر گرفته شود، عملکرد نسبی عبارت است از $Y_{i,t+1} = P_{i,t+1} - P_{i,t+1}^r$. عبارت $Y_{i,t+1}$ می‌تواند منفی، صفر یا مثبت باشد. بنابراین متغیر شاخص $I_{i,t+1}$ به گونه‌ای تعریف می‌شود که احتمالات $Y_{i,t+1} < 0$ ، $Y_{i,t+1} = 0$ و $Y_{i,t+1} > 0$ در دوره $t+1$ به ترتیب به وسیله $Pr(I_{i,t+1} = 1)$ ، $Pr(I_{i,t+1} = 2)$ و $Pr(I_{i,t+1} = 3)$ تعیین می‌شود.

در هر دوره t ، عملکرد شرکت i در دوره $t+1$ نامعلوم بوده و دارای سه پیامد ممکن است؛ زیان نسبت به نقطه مرجع، حالت سر به سری نسبت به نقطه مرجع و سود نسبت به نقطه مرجع. مطابق با فانگ^۱ (۲۰۱۵) فرض بر این است که عملکرد در دوره $t+1$ بستگی به یک متغیر پنهان $X_{i,t+1}$ دارد که تابعی از عملکرد نسبی شرکت i در دوره t ($Y_{i,t}$) و فرصت‌های رشد است.

$$X_{i,t+1} = F(Y_{i,t}, Growth_{i,t}, U_{i,t+1})$$

مدل (۳)

دلیل استفاده از دو متغیر عملکرد نسبی ($Y_{i,t}$) و فرصت‌های رشد در معادله بالا این است که مطابق با پژوهش‌های پیشین، انتظار تصمیم‌گیرندگان از سود یا زیان بالقوه به میزان زیادی از تاریخچه عملکرد خود شرکت تأثیر می‌پذیرد؛ به ویژه این موضوع در مورد تصمیم‌گیرندگان آگاه و مطلع مصداق دارد. همچنین رشد شرکت که به وسیله نسبت Q توبین مورد سنجش قرار گرفته است، در انتظارات تصمیم‌گیرندگان از سود یا زیان آتی نقش مهمی ایفا می‌کند. در ادامه به منظور سنجش برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود یا احتمال وقوع زیان نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت از روش رگرسیون ترتیبی با تابع اتصال پروبیت به شکل زیر استفاده شد:

اگر $X_{i,t+1} \leq C_1$ آنگاه $I_{i,t+1} = 1$ زیان نسبت به مرجع

اگر $C_1 < X_{i,t+1} < C_2$ آنگاه $I_{i,t+1} = 2$ سر به سر مرجع

اگر $X_{i,t+1} \geq C_2$ آنگاه $I_{i,t+1} = 3$ سود نسبت به مرجع

C_1 و C_2 سطوح آستانه‌ای هستند که تخمین زده می‌شوند. تئوری چشم‌انداز تجمعی، رابطه بین نگرش ریسک‌پذیری مدیران با سود و زیان مرجع را پیش‌بینی می‌نماید. بنابراین متغیر، به عنوان احتمال نتایج آتی عملکرد به شرح جدول (۱) مقادیر می‌پذیرد:

جدول (۱) احتمال نتایج آتی عملکرد

شرح	احتمال	مقادیر متغیر $I_{i,t+1}$
عملکرد شرکت از عملکرد شرکت‌های مشابه در صنعت کمتر باشد	$< 0 \ Y_{i,t+1}$	$\Pr(I_{i,t+1} = 1)$
عملکرد شرکت از عملکرد شرکت‌های مشابه در صنعت برابر باشد	$Y_{i,t+1} = 0$	$\Pr(I_{i,t+1} = 2)$
عملکرد شرکت از عملکرد شرکت‌های مشابه در صنعت بیشتر باشد	$> 0 \ Y_{i,t+1}$	$\Pr(I_{i,t+1} = 3)$

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۳-۳-۴- متغیرهای کنترلی پژوهش و تعریف آن

با اتکا به پژوهش آلی و همکاران^۱ (۲۰۱۸) متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی و عمر شرکت به عنوان متغیرهای کنترلی این پژوهش مدنظر قرار گرفته است.

$SIZE_{i,t}$: بیانگر اندازه شرکت i در سال t است. از این رو در این پژوهش اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت استفاده می‌شود که برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها شرکت i در سال t . در این پژوهش چنین استنباط می‌شود که شرکت‌های بزرگ معمولاً عملیات گسترده و پیچیده‌تری داشته و انتظار می‌رود که گزارش‌های مالی پیچیده و طولانی‌تری در مقایسه با سایر شرکت‌ها ارائه نمایند (حسن^۲، ۲۰۱۷).

$AGE_{i,t}$: بیانگر عمر شرکت i در سال t است. در رابطه با سن شرکت انتظار می‌رود که شرکت‌های با قدمت بیشتر، احتمالاً لحن گزارشگری واقع‌گرایانه‌تری خواهند داشت. در این پژوهش سن شرکت نیز به عنوان یکی دیگر از متغیرهای کنترلی به کار گرفته شده است که براساس فاصله زمانی بین تاریخ پذیرش شرکت در بورس تا پایان دوره زمانی پژوهش اندازه‌گیری می‌شود (لو و همکاران^۳، ۲۰۱۷).

$LEV_{i,t}$: بیانگر اهرم مالی شرکت i در سال t است که از تقسیم کل بدهی‌ها بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها به دست آمده است (آجینا و همکاران^۴، ۲۰۱۶).

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی

به منظور شناخت بیشتر درباره جامعه آماری و متغیرهای مورد مطالعه خلاصه وضعیت آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۲) ارائه شده است. همان‌طور که نشان داده شده است، میانگین مشاهدات و میانه آنها اختلاف اندکی دارند. نزدیک بودن مقادیر میانگین و میانه مشخص می‌کند که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند. همچنین انحراف معیار متغیرهای استفاده شده صفر نیست لذا می‌توان متغیرهای مورد نظر را در الگو وارد کرد. میانگین بدست آمده برای اهرم مالی ۷۶ درصد است. که نشان می‌دهد ۷۶ درصد از دارایی‌های شرکت‌های نمونه آماری از

^۱ - Aly et al

^۲ - Hasan

^۳ -Lo et al

^۴ - Ajina et al

طریق بدهی تامین شده است. همچنین آماره‌های توصیفی مربوط به احتمالات تخمین زده شده وقوع زیان نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت ($Pr(I_{i,t+1} = 1)$ و دستیابی به سود نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت ($Pr(I_{i,t+1} = 3)$ نشان می‌دهد.

جدول (۲) - آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای کمی						
متغیرها	تعداد (سال - شرکت)	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار
گزارشگری مالی متهورانه (AFR)	۷۶۸	۰/۰۴۲	۰/۰۶۵	۰/۶۸۴	-۱/۳۲۸	۰/۱۶۴
احتمال سوددهی (PPOF) ($Pr(=3I_{i,t+1})$)	۷۶۸	۰/۶۷۲	۰/۵۶۳	۱/۰۰۰	۰/۳۸۲	۰/۳۲۵
احتمال زیان دهی (PLOSS) ($Pr(=1I_{i,t+1})$)	۷۶۸	۰/۳۷۳	۰/۳۴۱	۰/۶۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۹۴
اندازه شرکت (SIZE)	۷۶۸	۶/۳۴۵	۶/۱۴۲	۷/۸۱۸	۵/۲۸۳	۰/۷۱۲
سن شرکت (AGE)	۷۶۸	۳۱/۵۴۶	۲۷/۳۲۱	۴۹	۱۵	۰/۵۳۲
اهرم مالی (LEV)	۷۶۸	۰/۷۶۱	۰/۶۹۵	۱/۱۵۱	۰/۲۶۱	۰/۲۱۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۲-۵- آزمون فرضیه‌های تحقیق

۲-۵-۱- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول ۲ نتیجه آزمون فرضیه‌های اول، دوم پژوهش را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج دو آزمون F لیمر و هاسمن در هر دو آزمون سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده، بنابراین الگوی مناسب برای برازش مدل ۱ رگرسیون داده‌های پانلی با اثرات ثابت است. جهت بررسی هم‌خطی متغیرهای مستقل از عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شده است. از آنجایی که برای کلیه متغیرهای مستقل، عامل تورم واریانس کمتر از ۵ است لذا مشکل هم‌خطی در مدل وجود ندارد. سطح معناداری آماره F (۰/۰۰۰) در مدل ۱ کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵درصد) است، بنابراین می‌توان گفت شاخص نکویی برازش مدل ۱ معنادار است. آماره دوربین واتسون مدل در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بنابراین همبستگی اجزای خطای مدل وجود ندارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها در جدول شماره ۳ ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ضریب، آماره z و معناداری مربوط به متغیر برآورد مدیریت از احتمال وقوع زیان نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت ($Pr(=1I_{i,t+1})$) بیانگر تأثیر مثبت و معنادار این متغیر بر گزارشگری متهورانه مالی است. از این رو، فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. ضریب، آماره z و معناداری مربوط به متغیر برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت ($Pr(=3I_{i,t+1})$) نیز بیانگر تأثیر منفی و معنادار این متغیر بر گزارشگری متهورانه مالی است. از این رو، فرضیه دوم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد

پذیرفته می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد ضریب متغیر برآورد مدیریت از احتمال وقوع زیان از قدرمطلق ضریب متغیر برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود بیشتر است که بر ویژگی زیان‌گریزی تئوری چشم‌انداز تجمعی دلالت دارد.

جدول (۳) - نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

متغیر	ضریب	آماره t	معناداری	آماره (VIF)
ضریب ثابت (β_0)	۰/۲۱۳	۳/۲۷۴	۰/۰۰۱	-
احتمال سوددهی (PPROF) $Pr(=3I_{i,t+1})$	-۰/۰۴۹	-۴/۱۰۹	۰/۰۰۰	۱/۷۵
احتمال زیان دهی (PLOSS) $Pr(=1I_{i,t+1})$	۰/۰۰۷	۳/۳۲۹	۰/۰۰۰	۱/۵۹
اندازه شرکت (SIZE)	-۰/۰۰۱	-۲/۷۲۰	۰/۰۱۴	۱/۹۵
سن شرکت (AGE)	-۰/۰۱۷	-۵/۵۹۵	۰/۰۰۰	۱/۹۲
اهرم مالی (LEV)	۰/۰۶۷	۴/۸۹۳	۰/۰۰۰	۱/۵۴
ضریب تعیین	۰/۵۲			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۹			
آماره دوربین - واتسون	۱/۷۹			
آماره F (سطح معناداری)	۲۲/۳۵ (۰/۰۰۰)			
آماره F لیمر (سطح معناداری)	۱۵/۲۶ (۰/۰۰۰)			
آماره آزمون هاسمن (سطح معناداری)	۲۱/۷۸ (۰/۰۰۰)			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

تجزیه و تحلیل حساسیت

به منظور بررسی بیشتر موضوع و برای تحلیل حساسیت نتایج پژوهش، آزمون‌های دیگری اجرا شده است. در آزمون اول، نتایج مربوط به مدل با توجه به اندازه شرکت‌ها به‌طور دقیق‌تر مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور شرکت‌ها بر اساس اندازه به شرکت‌های بزرگ (با اندازه بیشتر از میانه کل نمونه) و شرکت‌های کوچک (با اندازه کمتر از میانه کل نمونه) تفکیک و به شرکت‌های بزرگ عدد ۱ و شرکت‌های کوچک عدد ۰ اختصاص داده شد. سپس اثر تعدیل‌کنندگی اندازه شرکت بر رابطه مربوطه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج مربوط به الگوی برازش شده در جدول شمار ۴ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود در سطح خطای ۵ درصد، ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیرهای تعاملی (PPROF*SIZE) منفی و (PLOSS*SIZE) مثبت معنادار است. یعنی می‌توان گفت که در شرکت‌های بزرگ‌تر، رابطه مربوطه قوی‌تر است.

جدول (۴) - نتایج حاصل از برازش مدل با توجه به اندازه شرکت‌ها

متغیر	ضریب	آماره t	معناداری	آماره (VIF)
ضریب ثابت (β_0)	۰/۲۷۵	۳/۷۱۴	۰/۰۰۱	-
احتمال سوددهی (PPROF) $Pr(=3I_{i,t+1})$	-۰/۰۵۱	-۴/۶۲۷	۰/۰۰۰	۱/۷۵
احتمال زیان دهی (PLOSS) $Pr(=1I_{i,t+1})$	۰/۰۰۸	۳/۸۵۲	۰/۰۰۰	۱/۵۹
احتمال سوددهی*اندازه شرکت (PPROF*SIZE)	-۰/۰۰۹	-۴/۸۵۹	۰/۰۰۰	۱/۶۱
احتمال زیان دهی*اندازه شرکت (PLOSS*SIZE)	۰/۰۱۲	۲/۴۵۱	۰/۰۱۲	۱/۷۴
اندازه شرکت (SIZE)	-۰/۰۰۲	-۳/۷۲۰	۰/۰۰۹	۱/۹۵
سن شرکت (AGE)	-۰/۰۱۹	-۵/۵۹۵	۰/۰۰۰	۱/۹۲
اهرم مالی (LEV)	۰/۰۷۱	۱۵/۸۹۳	۰/۰۰۰	۱/۵۴
ضریب تعیین	۰/۵۴			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۱			
آماره دوربین-واتسون	۱/۸۵			
آماره F (سطح معناداری)	۲۳/۱۲ (۰/۰۰۰)			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتیجه گیری و پیشنهادات

هسته اصلی بازارهای سرمایه اعتماد به صحت اطلاعات آن است، اما اگر گزارشگری متهورانه مالی ارائه گردد اعتماد کلیه سرمایه‌گذاران به بازار خدشه‌دار می‌شود. به همین دلیل با مطالعه تحقیقات گذشته برخی از انگیزه‌های خاص مدیران که امکان وقوع گزارشگری متهورانه مالی را فراهم می‌کنند شناسایی شده است. در پژوهش حاضر سعی شده تا وقوع گزارشگری متهورانه مالی از نظر الگوی نگرش چهارگانه به ریسک که مرتبط با تئوری تجمعی چشم‌انداز است، مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ به‌طور مثال انگیزه مدیران برای ارائه گزارشگری متهورانه این است که آنها تمایل دارند تا اوضاع مالی شرکت را به گونه‌ای نمایش دهند که از یک طرف به انتظارات سرمایه‌گذاران پاسخ داده شود و از طرف دیگر نشان دهند که عملکرد به حدی قوی بوده که به اهداف تعیین شده در شرکت دست یافته‌اند، بنابراین وضعیت مالی شرکت را بهتر از آنچه که در واقعیت هست ارائه می‌نمایند. به این منظور دو فرضیه مطرح شده که احتمال گزارشگری متهورانه مالی را با استفاده از وضعیت سود و زیان مرجع تدوین کرده‌اند، که نقطه مرجع به‌عنوان انحراف مثبت یا منفی عملکرد شرکت نسبت به متوسط عملکرد رقبای تعیین گردیده است. آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که گزارشگری متهورانه مالی از چهار الگوی نگرش نسبت به ریسک پیروی می‌کند، به بیان دیگر زمانی که احتمال سود مرجع کم یا احتمال زیان مرجع زیاد باشد احتمال گزارشگری متهورانه مالی افزایش می‌یابد اما اگر احتمال سود مرجع زیاد یا احتمال زیان مرجع کم باشد احتمال گزارشگری متهورانه مالی کاهش می‌یابد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش فانگ (۲۰۱۵)، پترو و پروکوپو (۲۰۱۶)، ثقفی و حسن زاده دیوا (۱۴۰۰) و ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۰) مطابقت داشته و با نتایج

پژوهش رهروی دستجردی و همکاران (۱۳۹۸) و دهقان و همکاران (۱۳۹۷) مغایرت دارد. یافته‌ها نشان داد بر خلاف تئوری نمایندگی که عموماً مدیر را شخصی ریسک‌گریز فرض می‌کند و یک تابع مقعر را برای مطلوبیت مورد انتظار مدیران در نظر می‌گیرد، ریسک‌گریزی و ریسک‌پذیری مدیران در رفتار مبتنی بر ریسک گزارشگری متهورانه مالی بستگی به برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود یا وقوع زیان نسبت به عملکرد مرجع، یعنی میانگین عملکرد صنعت دارد. این بدین معنا است که در صورتی که مدیر احتمال اینکه عملکرد پایین‌تری نسبت به میانگین عملکرد صنعت داشته باشد را بالا برآورد کند احتمال گزارشگری متهورانه مالی و متحمل شدن ریسک ناشی از آن بالا خواهد بود. همچنین در صورتی که مدیر این احتمال را پایین برآورد کند احتمال گزارشگری متهورانه مالی پایین خواهد بود و مدیر ریسک‌گریز خواهد بود. افزون بر این، در صورتی که مدیر احتمال اینکه عملکرد بالاتری نسبت به میانگین عملکرد صنعت داشته باشد را پایین برآورد کند احتمال گزارشگری متهورانه مالی و متحمل شدن ریسک ناشی از آن بالا خواهد بود و در صورتی که مدیر این احتمال را بالا برآورد کند احتمال گزارشگری متهورانه مالی پایین خواهد بود و مدیر ریسک‌گریز خواهد بود. همچنین نتایج این پژوهش حاکی از زیان‌گریزی مدیران در رفتار گزارشگری متهورانه مالی است. از این رو، می‌توان استدلال نمود که مدیران بیش از اینکه ریسک‌گریز باشند زیان‌گریز هستند. نتایج این پژوهش بر این امر دلالت دارد که استفاده از نظریه‌های روان‌شناسی می‌تواند در تبیین تصمیم‌گیری‌های مدیران مفید و مؤثر واقع گردد. از این رو، استفاده از تئوری‌های بر پایه علم روان‌شناسی که چگونگی تأثیر احساسات و ترجیحات روان‌شناختی افراد را بر شیوه تصمیم‌گیری آنها مورد بررسی قرار می‌دهد در بسیاری از مباحث حسابداری راه‌گشا است. از این رو، نتایج این پژوهش منجر به گسترش دانش در حوزه پژوهش‌های رفتاری در حسابداری می‌گردد و از لحاظ کاربردی می‌تواند نگرش خوبی نسبت به رفتار مدیران در حساب‌رسان، سهامداران و سایر افراد ذینفع در شرکت‌ها و قانون‌گذاران فراهم آورد.

با توجه به نتایج پژوهش، به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که بصورت مستقل و نه با اتکا به حساب‌رسان، رسیدگی‌هایی مبنی بر یافتن نواقص و خطرات گزارش‌گری در شرکت‌ها را در دستور کار قرار داده و در صورت نیاز به ارائه‌ی تذکر به شرکت‌ها، لیست شرکت‌هایی که تذکر دریافت کرده‌اند را به صورت رسمی منتشر نماید تا پژوهشگران حوزه‌ی تقلب و دستکاری صورت‌های مالی در آینده به لیست مذکور اتکا کنند. همچنین به سازمان بورس اوراق بهادار و کمیته تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی پیشنهاد می‌شود در جهت تدوین آیین‌نامه‌ها و ایجاد استانداردها و بسترهای قانونی، برای تشویق شرکت‌ها به توجه بیشتر و بهتر به گزارشگری و کیفیت آن و نیز اقدامات سخت‌گیرانه علیه گزارشگری مالی متهورانه اقدام کنند و اطلاعات مربوط به این مقوله را به طور کارآمد سازماندهی کنند.

فهرست منابع

- ابراهیمی، فهیمه، ستایش، محمدحسین، زارعی فرد، حمیدرضا (۱۴۰۰) تبیین انگیزه رفتاری مدیران در دستکاری سود از منظر تئوری چشم‌انداز تجمعی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۸، شماره ۷۰، صص ۵۱-۷۷.
- احمدی، سعیدعلی، سروش یار، افسانه (۱۳۹۵) ارزیابی نقش رویکردهای تدوین استانداردهای حسابداری و تخصص کاری حسابرس بر گزارشگری مالی متهورانه، فصلنامه حسابداری مالی، ۸ (۳)، صص ۱۴۳-۱۶۱.
- پمپین، میشل ام (۱۳۸۸) دانش مالی رفتاری و مدیریت دارایی. (احمد بدری) تهران: شرکت انتشارات کیهان (۱۹۶۳).
- ثقفی، علی، حسن زاده دیوا، سید مصطفی (۱۴۰۰) انگیزه مدیریتی در گزارشگری مالی متهورانه با توجه به تئوری چشم‌انداز تجمعی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۸ (۴)، صص ۵۹۸-۶۱۵.
- حمیدیان، نرگس (۱۴۰۱) هم حرکتی سود بر احتمال دستکاری سود با در نظر گرفتن رقابت بازار محصول، پیشرفتهای حسابداری دانشگاه شیراز، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۶۵-۹۷.
- خلیل زاده، محمد، حیدر پور، فرزانه، توانگر، افسانه، جهان‌شاد، آریتا (۱۴۰۱) تأثیر ویژگیهای روانشناختی مدیر عامل بر احتمال دستکاری سود با استفاده از مدل بنییش و واکنش حسابرس به آن، بورس اوراق بهادار، شماره ۵۷، صص ۳۵۷-۴۰۲.
- دهقان، سحر، موسوی جهرمی، یگانه، عبدلی، قهرمان (۱۳۹۷) تئوری چشم‌انداز؛ رهیافتی نوین در توضیح پدیده فرار مالیاتی، تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۳ (۱)، صص ۱-۲۵۲.
- ربیع بیگی، حامد، محمدی پور، رحمت اله، نوروش، ایرج، صالحی، رضا (۱۴۰۲) ارائه الگوی روحیه مالیاتی با رویکرد تئوری زمینه بنیان، اقتصاد مالی، دوره ۱۷، شماره ۲، صص ۱۹۳-۲۲۶.
- رهروی دستجردی، علیرضا، فروغی، داریوش، کیانی، غلامحسین (۱۳۹۸) انطباق انگیزه‌های تقلب در مدیران با الگوی نظریه چشم‌انداز تجمعی از طریق تجزیه و تحلیل متن. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۹ (۲)، صص ۷۳-۱۰۲.
- فخاری، حسین، رجب دری، حسین، خانی ذلان، امیررضا (۱۳۹۷) مطالعه نقش ارتباط اجتماعی و حرفه‌ای اعضای کمیته حسابرسی با ارزیابی ریسک گزارشگری متقلبانه شرکت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، صص ۲۳۳-۲۵۰.
- کریمی، زهرا، یعقوب نژاد، احمد، صمدی لرگانی، محمود، پورعلی، محمدرضا (۱۴۰۲) تأثیر مؤلفه‌های پنج‌گانه شخصیت حسابرسان بر مدیریت سود، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، دوره ۲، شماره ۶، صص ۹۵-۱۱۴.
- مصلح شیرازی، علی نقی، نمازی، محمد، محمدی، علی و رجبی، احمد (۱۳۹۲) تئوری چشم‌انداز و مدل‌سازی الگوی تصمیم‌گیری مدیران در بخش صنعت، چشم‌انداز مدیریت صنعتی، ۳ (۲)، صص ۹-۳۳.

مهدوی، غلامحسین و رضالویی، عباس (۱۳۹۵). بررسی مدیریت سود برای جلوگیری از گزارش زیان و کاهش سود و کاربرد نظریه چشم‌انداز برای تشریح انگیزه‌های آن، پیشرفت‌های حسابداری، ۸(۲)، صص ۱۹۱-۲۲۳.
میرزائی، سعیده، عبدلی، محمدرضا، کوشکی چهارمی، علیرضا (۱۳۹۹). بررسی تاثیر لحن بدبینانه گزارشگری مالی بر گزارشگری مالی متهورانه: حفاظت از حقوق سهامداران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۶(۶۵)، صص ۱۳-۱۰۹.

مولائی ایل ذوله، علی، نوراله زاده، نوروز، جعفری، سیده محبوه، دارابی، رویا (۱۳۹۹). بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی شرکت و پاداش مدیران با گزارشگری متهورانه مالیاتی، اقتصاد مالی، سال ۱۴، شماره ۵۲، صص ۱۰۱-۱۲۷.

ملاسمعیلی دهشیری، حسن، پژویان، جمشید، غفاری، فرهاد، حسینی، سید شمس الدین (۱۴۰۱). تحلیل اثر سیاست مالی (مالیات بر مجموع درآمد) بر توزیع درآمد کشورهای منتخب OECD، اقتصاد مالی، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۹۳-۱۰۸.

نمازی، محمد (۱۳۸۴). بررسی کاربردهای تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت، پیشرفت‌های حسابداری، ۲۲(۲)، صص ۱۶۴-۱۴۷.

- Ajina, A., Laouti, M., Msolli, B. (2016). Guiding through the fog: Does annual report readability reveal earnings management? *Research in International Business and Finance*, 38, 509-516.
- Barberis, N. C. (2013). Thirty Years of Prospect Theory in Economics: A Review and Assessment. *Journal of Economic Perspectives*, 27(1), 96- 96-173.
- Beneish, M. D. (1999). Incentives and Penalties Related to Earnings Overstatements that Violate GAAP. *The Accounting Review*, 74(4), 425-457. <https://doi.org/10.2308/accr.1999.74.4.425>
- Cho, C. H., Huang, Z., Liu, S., & Yang, D. (2021). Contaminated Heart: Does Air Pollution Harm Business Ethics? Evidence from Earnings Manipulation. *Journal of Business Ethics*, 1-22. <https://doi.org/10.1007/s10551-021-04762-y>
- Chu, J., Dechow, P. M., Hui, K. W., & Wang, A. Y. (2019). Maintaining a Reputation for Consistently Beating Earnings Expectations and the Slippery Slope to Earnings Manipulation. *Contemporary Accounting Research*, 36(4), 1966-1998. <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12492>
- Fung, M.K. (2015). Cumulative prospect theory and managerial incentives for fraudulent financial reporting. *Contemporary Accounting Research*, 32 (1), 55-75.
- Hong, N.T.H., Anh, N.T., Hoang, N.T.V. et al. Corporate governance, external financing, and earnings management: new evidence from an emerging market. *Futur Bus J* 9, 27 (2023). <https://doi.org/10.1186/s43093-023-00206-3>.
- Hasan, M. M. (2017). Managerial ability, annual report readability and disclosure tone (April 23, 2017). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2957135>
- Heltzer, W., Mindak, M. P., Shelton, S. W. (2012). The relation between aggressive financial reporting and aggressive tax reporting: Evidence from ex-Arthur Andersen clients, *Research in Accounting Regulation*, 24(2): 96-104
- Jin, L., & Myers, S. C. (2006). R2 around the world: new theory and new tests. *Journal of Financial Economics* 79(2):PP. 257-292
- Kothari, S. P., Leone, A., Wasley, C. (2005). Performance Matched Discretionary Accrual Measures", *Journal of Accounting and Economics*, 39(1): 163-197

- Lo, K., Ramos, F., Rogo, R. (2017). Earnings management and annual report readability. *Journal of Accounting and Economics*, 63(1), 1-25
- Nelson, M. W. (2003). Behavioral Evidence on the Effects of Principles and Rules-Based Standards”, *Accounting Horizons*, 17(1): 91-104.
- Petrou, A. P., & Procopiou, A. (2016). CEO Shareholdings and Earnings Manipulation: A Behavioral Explanation. *European Management Review*, 13(2), 137-148. <https://doi.org/10.1111/emre.12073>
- Shapira, Z. (1995). Risk taking. New York: Russell Sage.
- Thu, L. (2023) Impact of earning management and business strategy on financial distress risk of Vietnamese companies, *Cogent Economics & Finance* (2023), 11: 2183657 <https://doi.org/10.1080/23322039.2023.2183657>
- Tversky, A., & Kahneman, D. (1992). Advances in prospect theory: Cumulative representation of uncertainty. *Journal of Risk and Uncertainty*, 5 (4), 297–323.
- Watts, R. L. (2003) b, Conservatism in accounting, Part I, explanations and implications. *Accounting Horizons* 17(3): 207- 221.



Managerial Motivations in aggressiveness Financial Reporting According to Cumulative Perspective Theory

Ali Molaiy Eial Zoleh¹
Kaveh Parandin²

Received: 2025/March/30 Accepted: 2025/June/04

Abstract

Objective: aggressiveness financial reporting as a risk-based managerial behavior occurs when managers use their personal judgments in financial reporting and manipulate the structure of transactions to change financial reporting. On the other hand, perspective theory seeks to explain how people's emotions and psychological preferences affect their decision making. Therefore, the aim of the research is to investigate the effect of managerial motivation in aggressiveness financial reporting according to the cumulative perspective theory.

Methods: In order to test the research hypotheses, 128 companies listed in Tehran Stock Exchange during 2016-2021 were investigated. In this research, correlation and multivariate regression methods with combined data model and generalized least squares estimation method are used.

Results: Overall, the findings of this study show that aggressiveness financial reporting follows four patterns of risk attitude, in other words, when the probability of reference profit or the probability of reference loss is high, the probability of aggressiveness financial reporting increases, but if the probability of reference profit is high or The lower the probability of reference losses, the lower the likelihood of aggressiveness financial reporting.

Conclusion: If the probability of change in profit or loss is small, the manager's attitude towards risk can change direction. In other words, if the probability of profitability increases, the manager reduces his risk-taking slightly instead of changing his attitude from risk-taking to risk-aversion. Therefore, it can be argued that the likelihood of aggressiveness financial reporting can change without changing the manager's attitude towards risk from risk-taking to risk-aversion. Also, the results of additional analysis indicate that the above relationship is stronger in larger companies.

Keywords: Managerial Motivations, aggressiveness Financial Reporting, Cumulative Perspective Theory

JEL: H26, C13, H16

1. Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran, (Corresponding Author), molaiyali@pnu.ac.ir

2 .Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran, kparandin@pnu.ac.ir